

شهید راه حکمت

عقاید سقراط :

- ۱- ثروت فضیلت به بار نمی آورد بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای افراد و جامعه سودمند است به دست می آید.
 - ۲- ارشاد مردم رسالتی است که خداوند با ندهای غیبی و در رویاها بر عهده ی سقراط نهاده است.
 - ۳- وظیفه قاضی تشخیص حق از باطل است و وظیفه ی متهم صداقت و راستگویی است.
 - ۴- دانای حقیقی کسی جزء خدا نیست
 - ۵- دانا ترین آدمیان کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمی داند.
 - ۶- ترس از مرگ جزء این نیست که ادمی خود را نسبت به مرگ دانا پندارد بی آنکه دانا باشد یعنی اینکه چیزی را که گمان می کند می داند نمی داند.
 - ۷- من تنها از چیز های می ترسم که می دانم به راستی زیان آور است مانند بی اعتنایی به قانون و سر پیچی از فرمان کسی که بهتر از من است خواه خدا باشد خواه ادمی
 - ۸- هیچ سعادت برای شهر من بالاتر از خدمتی که من به پیروی از خدا به شما می کنم نیست تا بفهمند تا چه اندازه نادان هستند.
 - ۹- سقراط می خواست به جوانان و پیران ثابت کند که پیش از آنکه در اندیشه ی جسم و مال و مقام باشند باید به روح خود بپردازند و در تربیت آن بکوشند.
 - ۱۰- سقراط مرگ را از زندگی که بازاری و طلب ترحم همراه باشد برتر می شمرد.
 - ۱۱- گریز از مرگ دشوار نیست بلکه گریز از بدی ها دشوار است زیرا بدی از مرگ تند تر می دود
 - ۱۲- مرگ از دیدگاه سقراط عبارت است از انتقال به جهان دیگر و هم نشینی با نیکان و بلند مرتبه گان است
- اتهام سقراط در دادگاه هلیاست:

- ۱- انکار خدایان و از خدایان جدید سخن گفتن
 - ۲- گمراه کردن جوانان از دین و ایین پدرانشان
- سقراط علت تهمت های که به او زده شد چه می داند؟
- خداوند بوسیله پیغام سروش به من ابلاغ کرده است که هیچ کس دانا تر از سقراط نیست چون می دانستم که دانا نیستم برای پیدا کردن راز این ابهام ندایی به سراغ دانایان شهر رفتم و ضمن گفتگو و بحث با آنها دریافتم که هم من و هم آنها دانا نیستیم و فرق من با آنها این بود که نتیجه را به دنبال داشت و چون نادانی آنها برای خودشان و دیگران آشکار شد با من دشمنی کردند و به من تهمت زدند

متهم کنندگان سقراط چه کسانی بودند و هر کدام نماینده ی چه گروهی بودند؟

- ۱- ملتوس: نماینده ی شاعران
- ۲- آئیتوس: نماینده ی پیشه وران و منتقدان
- ۳- لیکون: نماینده ی خطیبان و وکیلان

جواب سقراط به اتهام انکار خدا:

سقراط در جواب این انکار گفت: آیا ممکن است کسی وجود اسب را انکار کند ولی وجود زین و لگام و دهنه و سایر امور مربوط به اسب را بپذیرد؟ آیا کسی پیدا می شود که علم و قدرت و عدالت فوق بشری داشته باشد ولی وجود خدا را منکر شود.

جواب سقراط به اتهام گمراه کردن جوانان:

سقراط به ملتوس و حصار ثابت کرد که آنها هیچ درک روشنی از تربیت جوانان ندارند و این تهمت، تهمت بی مورد است

دو جنبه ی مهم پیام سقراط به مردم :

جنبه ی اول: نمی دانم سقراط گامی به سوی خود اگاهی.

۱- اولین گام در راه کسب حکمت و دانایی «خود اگاهی» است.

۲- نمی دانم سقراط در واقع آوای خویشتن شناسی و آگاه شدن از گوهر تابناک انسانیت که درون هر انسانی نهفته است.

۳- نمی دانم سوفسطایان معنایی جزء «نمی توانم بدانم» در بر نداشت و هیچ معیار ثابتی در شناخت و عمل در اختیار بشر نمی گذاشت و بشر در دیدگاه سوفسطایان محکوم جهل و شک و بی اعتمادی است.

۴- شعار «خود را بشناس» از طرف سقراط پرده ای از جهل مرکب در برابر دیدگان بر می دارد و به همه می آموزد که که با تکیه بر عقل خدادادی از وسوسه و شک و گمان خلاصی یافت و راه حقیقت را پیمود.

۵- نمی دانم سقراط سر آغاز راه حکمت و معرفت و همراه همیشگی جوینده حقیقت است

جنبه ی دوم: بحث معرف و معرف: یادگار سقراط است او می گوید: هر چیزی از تعریف ثابتی برخوردار است . اگر به تعریف اشیاء برسیم به دانش درست و مطمئنی دست پیدا کردیم.